

روانشناس محترم،

راجع به مشکلات یکی از خویشاوندانم (عمو، دایی، خاله یا عمه زاده (serkku)) سوالی داشتم. او ساکن فنلاند نیست؛ و به همین سبب نمی‌تواند به درمانگاهی در اینجا مراجعه کرده و از آنجا کمک بخواهد. من به خانواده او قول داده‌ام که اطلاعاتی در مورد مشکلات او کسب کرده و در اختیار آنها قرار دهم. او مرد مجردی است که سالها دچار حال بدی است که به اصطلاح عوام "جن زدگی" نامیده می‌شود. هنگامی که که این "جن" به جلد او می‌رود، با زبان و دهان او حرفهای عجیبی زده و به قسمت‌های مختلف بدن او آسیب و درد وارد می‌کند. سپس او تا مدت زیادی از این مسأله رنج برده، دچار غم و غصه شده و یأس و ناامیدی به او دست می‌دهد. خانواده او سعی کرده‌اند که با کمک "جن‌گیرهای" متعدد این جن را از جلد او به بیرون برانند؛ ولی تمام تلاش آنها با شکست مواجه شده و گویا این جن از آنها نیرومندتر بوده است. مخصوصاً چون می‌دانم که او از بچگی زندگانی سخت تری از دیگران داشته است، به این حال او تأسف زیادی می‌خورد. در کودکی او سالها مبتلا به بیماریهای خطرناکی بوده؛ و سپس قبل از شروع مدرسه، مادرش را نیز از دست داده. بعد از این حادثه، با دو نامادری بزرگ شده است. با اینکه در زمان حاضر در کشور متبوعه قبلی من، بسیاری از مردم به چنین مسائلی با دید علم پزشکی نگاه می‌کنند؛ اما عوام هنوز اعتقاد دارند که به روشهای سنتی باید از شر جن و جن زدگی خلاصی یافت. گویا در مورد خویشاوند من، خود بیمار هم وجود جن یا روح شیطانی را باور داشته؛ و سعی دارد تا با توسل به خدا و عبادت، این رنج را آسانتر تحمل نماید. حالا که استفاده از روشهای سنتی هیچ نتیجه‌ای نداده است، پس برای کمک به حال او چه کاری می‌توان کرد؟

امضاء، "فردی نگران خویشاوندش"

"پرسنده نگران" محترم،

با توجه به مطالبی که نوشته‌اید، گویا خویشاوند شما دچار ناراحتی بسیار سخت و وخیمی می‌باشد، و متأسفانه، کاربرد روشهای سنتی برای بیرون راندن جن از جلد او، کارگر نیفتاده است. با توجه به این مطالب، بهتر است ببیندیم که آیا دلیل بوجود آمدن این مشکلات وجود جن و ارواح شیطانی است، یا باید با دید دیگری به این مسأله نگاه کنیم. خودتان اشاره کرده‌اید، که اکنون در کشور متبوعه قبلی خود نیز امکانات استفاده از علم پزشکی، در مواجهه با چنین مسائلی، کاربرد پیدا کرده است. در فنلاند، برای چاره‌جویی مشکلی نظیر آنچه خویشاوند شما به آن دچار است؛ سعی می‌شود تا در مطب پزشک به چگونگی احساسات، مشاهدات، احوال و افکار بیمار، به طور اساسی پی برده؛ و اوضاع روحی او، زمان پیدایش این عوارض، مشاهدات یا پندارها و مدت ادامه آنها، دقیقاً مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. همچنین، سلامت جسمی بیمار مورد مشاهده و معاینه قرار گرفته و برای یافتن عوامل، موجبات و مولدین مشکلات روحی او، تفحص می‌گردد. در صورت لزوم، از بیمار آزمایشات تشخیصی طبی به عمل آمده؛ و یا در جهت بازشناسی وضعیت و حالش، از او معاینات و تحقیقات پزشکی بیشتری صورت می‌گیرد. عموماً بیمارانی که دارای عوارض شدید و یا پیچیده هستند، به پزشکی با تخصصهای مختلف ارجاع می‌شوند.

به همین ترتیب، در مورد خویشاوند شما نیز می‌توان با روش معاینات پزشکی پی برد که آیا وی دچار اختلال عاطفی است یا نه. عوارض مشروحه شما، می‌توانند از نوعی باشند که اصطلاحاً عوارض ناشی از روان پریشی یا پریشان‌روانی ("پسیکوز" (psychosis)) نامیده می‌شوند. در اثر این بیماری، درک و تشخیص بیمار از موضوعات و اتفاقات حقیقی و واقعی پیرامونش شدیداً مختل می‌شوند. عوارض این بیماری به اشکال مختلف ظهور می‌کنند. موارد زیر از جمله آنها می‌باشند: عقاید و افکار عجیب و غریب، باور موهومات، وسواس شدید، شنیدن صداهائی که اطرافیان نمی‌شنوند و داشتن حال یا احساسی که در همان شرایط دیگران ندارند. برای مثال؛ بیمار ممکن است در حضور جمعی صداهائی بشنود که

حاوی پیغامی برای او باشند، اما دیگران آنها را نمی شنوند؛ یا بوهائی را استشمام کند که بقیه حاضرین نمی کنند. در یک نوع روان پریشی، بیمار یقین حاصل می کند که افراد یا تشکیلاتی برای اذیت و عذاب او نقشه طرح می کنند. پریشانی روان انواع متعددی دارد و عوارض ظاهری هر بیمار، بستگی زیادی به خصوصیات شخصی و تاریخچه و حوادث زندگانی گذشته وی دارند. مثلاً، نوشته اید که این خویشاوند شما از همان کودکی زندگانی سختی را گذرانده است. به احتمال زیاد این موضوع در بوجود آمدن مشکلات کنونی او دخالت زیادی دارد. بسیاری از حوادث ناهنجار و آسیب رسان (تروماتیک) (traumatisoiva)) زندگانی، می توانند بر روی انسان اثرات و صدمات روحی بزرگی باقی بگذارد؛ و باز این صدمات، به نوبه خود ممکن است موجب چنان اضطراب و دهشتهائی گردند، که انسان برای مدتی قدرت تشخیص ماهیات وقایع و چیزهای اطرافش را از دست بدهد. باضافه، اتفاقات کنونی که یاد آور حوادث بد گذشته می باشند، ممکن است مقدماتی برای شروع پیدایش چنین اختلالاتی گردند.

اگر در کشور متبوعه قبلی شما روانپزشک وجود دارد، کمال مطلوب است که این خویش شما به همراه خانواده اش به چنین متخصصی مراجعه کرده و مشکلات خود را با او در میان بگذارد. راهنمایی که شما می توانید به خویشاوندان خود بنمائید؛ این است که آنها بدون هیچ نوع پرده پوشی، تمام جزئیات این مشکل را با پزشک مذکور در میان گذاشته، تا او بتواند تصویر مشخصی از نوع و شدت ناراحتی بیمار پیدا کند. همچنین، خانواده بیمار بهتر است که دائماً نزدیک او باشند و هیچ لحظه او را با مشکلاتش تنها نگذارند. این مطلب کمک بزرگی برای رهائی او از این مسأله خواهد بود. هیچ مانعی ندارد که در کنار معالجات پزشکی، برای تسکین بیشتر بیمار، از روشهای سنتی نیز کمک گرفته شود؛ اما به این شرط که استفاده از روشهای سنتی، هیچ گونه تضاد و تناقضی با نحوه درمان و استفاده از داروهای تجویز شده پزشکی پیدا نکند. همانطور که خودتان اشاره کرده اید، گویا تا حال درمانهای سنتی به تنهایی نتیجه ای نداده؛ پس عاقلانه ترین کار این است که راه دیگری برای بهبود حال او پیدا نمود.

"سیرکو سویکانن" Sirkku Suikkanen

روانشناس